

Civilizational Confrontation: Imam Musa al-Sadr's Theoretical and Practical Engagement with the Zionist Regime

Sharif Lakzaei *

Received on: 24/03/2025

Accepted on: 26/06/2025

Abstract

Purpose: The primary objective of this article is to investigate and analyze the theoretical and civilizational dimensions of Imam Musa al-Sadr's opposition to the Zionist regime, alongside the practical measures he undertook to confront it. Imam Sadr's famous viewpoint that "Israel is the absolute evil" is often interpreted as a merely political stance or a reaction to the insecurity inflicted upon the Shiites of southern Lebanon. However, this research seeks to prove the hypothesis that his opposition is rooted in a profound civilizational analysis. The paper answers the key question: what are the intellectual and theoretical foundations of this civilizational confrontation, and how did Imam Sadr translate these foundations into practice, particularly within the context of Lebanon? The central idea, inferred from his works, is that the challenge posed by the Zionist regime is inherent to Western civilization, and confronting it requires establishing a resistance front based on an authentic Islamic-civilizational identity.

Methodology: The research methodology of this article is descriptive-analytical, grounded in documentary and library research. The required data was gathered through a comprehensive review of Imam Musa al-Sadr's written works, speeches, and statements. This data was analyzed using qualitative content analysis. Within this framework, the theoretical components of Imam Sadr's civilizational challenge to the Zionist regime—including his critique of the philosophy of Judaism and his emphasis on the central role of Al-Aqsa Mosque as a symbol of the unity of religions and civilizations—were extracted and explained. Subsequently, his practical actions, such as the formation of a "Resistance Front" and the establishment of the "Amal Movement," were examined and analyzed within the context of his civilizational approach. The ultimate goal is to discover and represent the meaningful and logical connections between the intellectual foundations and

* Associate Professor, Department of Political Philosophy, Research Institute of Political Science and Thought, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
(Corresponding Author).

sharif@isca.ac.ir

 **0000-0002-8122-5900**



practical actions of Imam Musa al-Sadr in his confrontation with the Zionist regime.

Findings: The findings of this research reveal that Imam Musa al-Sadr's confrontation with the Zionist regime was profoundly multidimensional and civilizational in nature. From a theoretical perspective, he critiqued the philosophy of Judaism as the ideological source of racial and religious supremacy. Citing Quranic verses, Sadr criticized a mindset that leads to oppression and ethnic superiority, emphasizing that his opposition was directed at the "philosophy governing Judaism," not at Jewish people as human beings. He believed this same philosophy underpinned the formation of Nazism and Fascism.

Furthermore, Al-Aqsa Mosque in Sadr's thought is not merely a religious site but a symbol of the unity of divine civilizations and a crossroads for the Abrahamic faiths. He referred to Jerusalem as the "authentic source of all global civilizations," whose occupation by Zionism signifies the destruction of this civilizational pluralism.

On the practical front, Imam Sadr viewed Israel as a continuation and product of Western civilization, created to safeguard Western interests in the region. Consequently, he considered resistance against it a civilizational necessity for the Islamic world. He believed resistance was the only viable path and institutionalized it by establishing the Amal Movement (Lebanese Resistance Detachments) to both defend southern Lebanon against Israeli aggression and prepare Shiites for a "civilizational response" by strengthening their cultural, social, and economic foundations. He also placed special emphasis on shifting global public opinion as a key factor in ending Israeli domination.

Conclusion: This research concludes that Imam Musa al-Sadr's approach to the Zionist regime was not a simple political or temporary opposition but rather a profoundly civilizational strategy. He understood that Israel was not just an aggressive state but a symbol and tool of a materialistic and unethical civilization seeking to erase authentic identities and destroy the possibility of peaceful coexistence among religions in the region. He therefore rose to confront it both theoretically and practically. In his view, resistance against this regime was not only a right but a civilizational duty for reclaiming the historical role of the Islamic Ummah.

By intelligently combining theoretical foundations (critiquing the philosophy of Judaism and reviving the civilizational status of Jerusalem) with practical actions (supporting Palestinian resistance, founding the Amal Movement, and striving to awaken public opinion), Imam Sadr provided a model for how to effectively respond to a civilizational challenge. This study suggests that the civilizational perspectives of Imam Musa al-Sadr can serve as a framework for analyzing contemporary resistance movements and forming civilizational alliances within the Muslim world, warranting further attention and investigation.

Keywords: Imam Musa al-Sadr, Zionist Regime of Israel, Palestine, Al-Aqsa Mosque, Lebanon, Resistance.

رویارویی تمدنی: مواجهه نظری و عملی امام موسی صدر با رژیم صهیونیستی

شریف لک‌زایی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

چکیده

دیدگاه امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، درباره رژیم صهیونیستی اسرائیل مبنی بر اینکه «اسرائیل شر مطلق است»، از شهرت گسترده‌ای برخوردار است. ممکن است این تصور وجود داشته باشد که رویکرد صدر در مواجهه با این رژیم صرفاً سیاسی است و ناشی از ناامنی‌هایی است که این رژیم برای ساکنان جنوب لبنان، که عمدتاً شیعیان هستند، ایجاد کرده است. با این حال، با تأمل در سخنان و نوشته‌های صدر می‌توان دریافت که این مخالفت دارای وجوه تمدنی آشکاری است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که ابعاد نظری تمدنی مخالفت سید موسی صدر با رژیم صهیونیستی اسرائیل چیست و ایشان با تکیه بر مبانی نظری خود چه اقدامات عملی و عینی‌ای انجام داده است. ایده اصلی مقاله که از مطالعه آثار صدر استنباط شده است، نشان می‌دهد که او اساساً چالش رژیم اسرائیل را چالشی تمدنی می‌داند و برای تبیین نظری این چالش، با طرح بحث فلسفه یهودیت و تأکید بر جایگاه و اهمیت مسجدالاقصی به عنوان نقطه تلاقی ادیان و تمدن‌های الهی، به تشکیل جبهه مقاومت در برابر این رژیم اقدام کرده است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، این ایده مستنبط از اندیشه و آرای سید موسی صدر را بررسی می‌کند و ابعاد نظری بحث و اقدامات عملی او در لبنان را تحلیل می‌کند.

کلمات کلیدی: امام موسی صدر، رژیم صهیونیستی اسرائیل، فلسطین، مسجدالاقصی، لبنان، مقاومت.

* دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

(نویسنده مسئول).

sharif@isca.ac.ir

بیان مسئله

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، بحث‌های مهمی دربارهٔ رژیم صهیونیستی اسرائیل دارد. یکی از مهم‌ترین گفته‌های ایشان در این زمینه که بسیار نیز مشهور شده، این است: «ما اسرائیل را شر مطلق می‌دانیم. در دنیا هیچ چیز بدتر از اسرائیل نیست. اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم. اگر اسرائیل با کمونیسم بجنگد، ما در کنار کمونیسم می‌ایستیم. اگر اسرائیل با جناح راست بجنگد، ما در کنار جناح راست می‌ایستیم. این است معنای اسرائیل شر مطلق است. من شخصاً در حد مطالعات و باورهایم هیچ نهادی خطرناک‌تر از اسرائیل نمی‌شناسم» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۲۶۷). پرسش این است که ابعاد نظری تمدنی مخالفت سید موسی صدر با رژیم صهیونیستی اسرائیل چیست و ایشان با تکیه بر مبانی نظری خود چه اقدامات عملی و عینی‌ای انجام داده است. یکی از فعالیت‌های اصلی صدر به‌عنوان رهبر شیعیان لبنان، حفاظت از این کشور به‌دلیل هم‌مرزی با فلسطین، حمایت از مقاومت فلسطین، دفاع از آزادی فلسطین و ارتباط گسترده با جنبش آزادی‌بخش فلسطین، به‌ویژه شخص یاسر عرفات است. درعین حال، صدر مخالف توطین فلسطینیان در کشور لبنان است و به بازگشت آوارگان فلسطینی به موطن خود، یعنی فلسطین، عقیده دارد. در این میان، با توجه به اینکه کشور لبنان به‌دلیل مرز مشترک در جنوب با فلسطین اشغالی همواره ازسوی رژیم صهیونیستی اسرائیل در معرض تهدید و تجاوز است، صدر از یک سوی مواجهه‌ای نظری و ازسوی دیگر نوعی مواجههٔ عملی با رژیم صهیونیستی اسرائیل دارد. آنچه واجد اهمیت است اینکه در این مواجهه، ابعاد تمدنی و نظری با ابعاد و اقدامات عملی و عینی ایشان در برابر این رژیم به‌موازات همدیگر پیش می‌روند. براین اساس، ایدهٔ مطرح‌شده بر مبنای آرای صریح صدر این است که اسرائیل چالشی تمدنی در دل کشورهای اسلامی و محصول و نتیجهٔ تمدن غرب است. این چالش افزون‌بر اینکه اسرائیل را مدافع منافع غرب در نظر می‌گیرد، آن را مخالف اصلی بر سر راه زیست مسالمت‌آمیز در کشوری چندفرهنگی مانند لبنان به‌شمار می‌آورد؛ زیرا رهاورد آن نژادپرستی، برتری طلبی و هم‌زیستی غیرمسالمت‌آمیز میان شهروندان یک کشور است. این چالش تمدنی هم‌زمان با مبانی نظری دینی صهیونیست‌ها و فلسفهٔ یهودیت و اقدامات عملی و حمایت غربی‌ها نیز پشتیبانی می‌شود. در ادامه، این ایده با روش توصیفی - تحلیلی بسط می‌یابد و با مستندات نظری و اقدامات عملی صدر در لبنان تحلیل می‌شود.

پیشینه تحقیق: موضوع رویارویی تمدنی رژیم صهیونیستی اسرائیل موضوع بسیار مهمی است که تاکنون، تا آنجا که نگارنده می‌داند، در هیچ مقاله و کتابی در حوزهٔ اندیشه و آرای امام موسی صدر بررسی نشده است. نگارنده پس از عملیات هفت اکتبر ۲۰۲۳، به بررسی دیدگاه سید موسی صدر در مواجهه با رژیم صهیونیستی اسرائیل پرداخت و در مطالعاتش دریافت که نگاه صدر در این زمینه نگاهی تمدنی و

برخاسته از عمق نگرش به ابعاد و زوایای خطر این رژیم برای کشورهای منطقه غرب آسیاست. از این رو، در نشست‌ها و گفت‌وگوهای مختلفی با صاحب‌نظران و پژوهشگران، به این بحث اشاره کرده و درباره موضوع بحث و تبادل نظر کرده است. نگاه صدر در این زمینه در لابه‌لای مباحث عمومی ایشان در زمینه رژیم صهیونیستی پراکنده است و اثر مستقلى از وی در این موضوع منتشر نشده است. البته در سال جاری (صدر، ۱۴۰۴)، مجموعه مباحث ایشان درباره رژیم صهیونیستی در کتابی با عنوان «اسرائیل، آن شر مطلق» به کوشش مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده که برای آشنایی با دیدگاه‌های وی در این زمینه مفید است. گفتنی است نگارنده در تحقیق مبسوطی با عنوان «نظریه تمدنی امام موسی صدر»، ابعاد مختلف دیدگاه ایشان را بررسی کرده است. این اثر در حال آماده‌سازی برای انتشار است و از این رو، نگارنده با اندیشه و دیدگاه تمدنی صدر آشنایی مستقیم دارد.

روش‌شناسی تحقیق: روش‌شناسی این مقاله بر پایه رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای استوار شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی آثار مکتوب، سخنرانی‌ها و گفتار امام موسی صدر گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، تجزیه و تحلیل شده است. در این راستا، مؤلفه‌های نظری چالش تمدنی رژیم صهیونیستی، از جمله نقد فلسفه یهودیت و تأکید بر جایگاه مسجدا لاقصی، استخراج و تبیین شده و در ادامه اقدامات عملی صدر، مانند تشکیل جبهه مقاومت، در چهارچوب رویکرد تمدنی بررسی گردیده است. هدف اصلی، کشف و بازنمایی پیوندهای معنادار بین مبانی فکری و کنش‌های عملی امام موسی صدر در نحوه مواجهه با رژیم صهیونیستی است.

۱. ابعاد نظری و فلسفه یهودیت

یک وجه از دیدگاه صدر درباره اسرائیل براساس انگاره‌های دینی موجود در یهودیت و فلسفه یهودیت مطرح شده است. صدر با توجه به آنچه در قرآن در این زمینه به آن تصریح شده است، در مباحث تفسیر قرآن خود به آیاتی می‌پردازد که به یهودیت اشاره دارد و در این میان ضمن تفسیر این آیات، به فلسفه صهیونیسم و ایده برتری‌جویی آن‌ها بر دیگران اشاره می‌کند. چنین نگاهی منشأ اقدامات وحشیانه این رژیم در برخورد با دیگران و از جمله ساکنان مسلمان فلسطینی این منطقه است. یکی از موضوعات مهم مطرح شده در این آیات، ظلم و ستم و نداشتن اتکا و اعتماد به ستمکار و کمک نگرفتن از او در زندگی است که در تفسیر برخی از آیات قرآن از سوی صدر بازتاب یافته است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۷۳-۱۷۴). آنجا که صدر آیات آغازین سوره جمعه را تفسیر می‌کند و به بحث یهود و مشرکان می‌پردازد، براساس آیات ۵ تا ۷ این سوره این بحث را مطرح می‌کند که دو گروه غیرمسلمان در آیه ذکر شده است: اول، یهود و مشرکان که این‌ها ستمکار هستند؛ زیرا یهودیان به تورات عمل نکردند و عالم بی‌عمل شدند.

دوم، نصارا یا مسیحیان که اینان مهربان‌ترین کسان نسبت به مؤمنان هستند. بر مبنای بحث صدر، یهود، هم به خود ظلم و هم به همه انسان‌ها ظلم کرده است: «بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله والله لایهدی القوم الظالمین. این‌ها ستمکار هستند؛ چراکه هم به خویش ظلم کردند و هم به همه انسانیت. به خویش ظلم کردند؛ زیرا حق را شناختند و آنگاه انکار کردند و به انسانیت ظلم کردند؛ چراکه آنان امین کتاب خدا و مکلف به ابلاغ آن بودند و مسئولیت دعوت بر عهده آنان بود، اما ایشان مسئولیت‌های خود را انکار و کلام خدا را منحرف و تحریف کردند و در نتیجه، هم به خویش و هم به جهان ظلم کردند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۷۵).

قرآن یهود و مشرکان را در کنار هم قرار داده است؛ زیرا هر دو ظلم می‌کنند. شرک نوعی ظلم بزرگ است. در واقع، از نظر صدر، مشرک نیز به خود و به دیگران ظلم می‌کند؛ زیرا «شرک دوگانگی در نظریه و تفکر است و ایمان به خدایان متعدد یا به محرک‌های متعدد است. به همین علت، مشرک در درون خود و در مسیر خود نیز چندگانگی دارد؛ همین‌طور در رفتار و بهره گرفتن از توان و نیروی خویش نیز چندگانگی دارد. در نتیجه، توان و نیروهایش به‌هدر می‌روند؛ زیرا این توان‌ها در برابر هم قرار دارند و به همین علت برای جامعه خطرناک‌اند. پس مشرک، هم ویرانگر خود و هم ویرانگر جامعه است و از این‌روست که ظالم و دشمن مؤمنان است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۷۶).

ستمکاری یهودیان در قبال دیگران دلیل دیگری نیز دارد و آن اینکه خود را برتر از دیگران می‌پندارند و همین مسئله عاملی برای دوری و رویگردانی از آنان و نداشتن اتکا و اعتماد به آن‌هاست. این برتری‌طلبی براساس نظر صدر، به فلسفه یهودیت مربوط است. این فلسفه البته مختص یهودیت نیست و ممکن است در هر جایی و نزد هر قوم و نژادی وجود داشته باشد. از این‌رو، وی تصریح کرده است که باید از فلسفه‌ای که یهودیت را پشتیبانی می‌کند، برحذر بود: «قرآن کریم مسلمانان را برحذر می‌دارد و به آنان می‌گوید: "لتجدن أشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود" (سوره مائده، آیه ۸۲). پس باید آگاه باشید و از آنان برحذر؛ نه اینکه از یهودی به‌مثابه انسان بیزار باشید، بلکه به‌علت فلسفه‌ای که بدان معتقد و عقیده‌ای که بدان ملتزم است؛ عقیده‌ای که از او موجودی شر و تفرقه‌انداز در زندگی بشر می‌سازد» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۷۶). بنابراین میان تفکر برتری‌طلبی و یهودی بودن یک انسان تفاوت گذاشته و بر دوری از فلسفه‌ای تأکید کرده است که یهودیت بر آن مبنا شکل گرفته و تداوم و استمرار یافته است. این فلسفه چیزی جز شرارت و تفرقه‌انگیزی در پی ندارد و هر انسانی که واجد چنین تفکری باشد، باید از او دوری کرد. صدر برداشت دیگری نیز دارد که بسیار اهمیت می‌یابد. وی بر این مبنا معتقد است که «اولین تقسیم‌بندی و دسته‌بندی بشر از تفکر یهودی است. این تفکر به اشکال دیگر میان سایر ملت‌ها ایجاد شده و تفکر نازیسم و فاشیسم و غیرذلک به‌وجود آمده است. آنان اساس شر هستند: "أشد الناس عداوة للذين آمنوا"» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۷۶). بنابراین صدر دسته‌بندی و طبقاتی دیدن انسان‌ها را که در طول تاریخ ایجاد شده و

حتی آنچه در دوره معاصر با عنوان تفکر نازیسم و فاشیسم ایجاد شده است، مبتنی بر چنین تفکری می‌داند. علاوه بر ایده برتری طلبی که به عنوان دال مرکزی فلسفه یهودیت مورد توجه صدر است، وی درباره پیدایش رژیم اسرائیل در منطقه نیز به صراحت معتقد است: «اسرائیل به شکلی ظالمانه و برخلاف همه قواعد شناخته شده، در قلب این منطقه کاشته شد که پیامدهای خطرناک بزرگی با ابعاد تمدنی و بشری و فرهنگی و امنیتی و اقتصادی به دنبال داشت» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۳۳). بر این اساس، رژیم صهیونیستی اسرائیل بر اساس ظلم و برخلاف همه قواعد شناخته شده بنیان گذاری شده است. گذشته از خطرات بزرگ تمدنی که تأسیس این رژیم به بار آورده است، مشکل اصلی در ایجاد یک فاجعه بشری است که برای ساکنان این سرزمین به وجود آمده و امروزه به وضوح این فاجعه در جنگ غزه برای همه روشن شده است. صدر نیز بر این موضوع تأکید کرده است. به تعبیر ایشان، «یکی از خطرناک ترین پیامدهای این فاجعه، مسئله آواره شدن ملت فلسطین و سپس نادیده گرفتن حقوق این ملت در حق برخورداری از وطن و زندگی آبرومندانه بود» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۳۳).

اما چه چیزی باعث تداوم حیات این رژیم شده است؟ در نظر صدر، تداوم حیات اسرائیل به دلیل حمایت‌هایی است که قدرت‌های بزرگ از آن می‌کنند. در یک مورد، صدر در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا ایالات متحده آمریکا بر اسرائیل تأثیر دارد، می‌گوید: «چرا که نه؟ ایالات متحده سرچشمه اسرائیل است و اساساً تنها قدرتی که می‌تواند بر اسرائیل فشار بیاورد، ایالات متحده است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۳۳). این در حالی است که اگر این حمایت‌ها نبود، تاکنون رژیم صهیونیستی اسرائیل به دست ملت فلسطین و همراهی دیگر ظلم‌ستیزان و آزادگان جهان از میان رفته بود.

یک مسئله مهم از منظر فلسفه یهودیت این است که این فلسفه هرگونه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را نفی می‌کند و دست به تأسیس حکومتی نژادی می‌زند. این مطلب وقتی با موضوع برتری طلبی در فلسفه یهودیت همراه می‌شود، دیگر امکان گفت‌وگو نیز در آن محو می‌شود و چنین رژیمی فاقد ظرفیت گفت‌وگوست و به هیچ عهد و پیمانی نیز وفادار نیست. از این رو، صدر در موارد متعددی تأکید و تصریح کرده که اسرائیل شر مطلق است. وی علاوه بر آنچه در مقدمه نقل شد، در جایی دیگر نیز می‌گوید: «ما بارها اعلام داشته‌ایم که مقاومت فلسطین مورد تأیید ماست. ما بارها هشدار داده‌ایم که اسرائیل شر مطلق است؛ برای خدا و اسلام و انسانیت و اخلاق خطری عظیم است و هر قدرتی که در برابر این شر مطلق و این دشمن قدار انسانیت بایستد، مورد حمایت ما قرار خواهد گرفت» (حجتی، ۱۳۹۹، ص ۸۹).

۲. مسجدالاقصی، نقطه تلاقی ادیان و تمدن‌های الهی

افزون بر تفسیر صدر از آیاتی که در آن به بحث درباره فلسفه یهودیت می‌پردازد، وی نگاه مهم‌تری به

قدس و مسجدالاقصی به عنوان قبله نخستین مسلمانان دارد. در آرای ایشان، افزون بر اهمیت بُعد مذهبی و اسلامی شهر قدس و مسجدالاقصی به عنوان نخستین قبله گاه مسلمانان، این مکان به عنوان مکانی تمدنی که همه تمدن‌ها را در خودش جمع کرده است نیز اهمیت وافری می‌یابد. صدر در تفسیر آیات آغازین سوره اسراء و به عنوان سرآغازی بر تفسیر خویش، بر این نظر است که این سوره شامل معانی عمیق تربیتی و حماسی است. وی یک قاعده کلی را در این بحث طرح کرده و آن پیوند و ارتباط پیامبر اکرم(ص) با قدس و مسجدالاقصی و سپس جهانی شدن رسالت اسلام است. به تعبیر صدر، «قدس شریف که قبله اول مسلمانان و محل پیوند همه رسالت‌های آسمانی و سرچشمه اصیل همه تمدن‌های جهانی است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۹۸)، برای همه مسلمانان، ادیان الهی و تمدن‌ها اهمیت دارد و مقدس است. چنان‌که از این عبارت به وضوح برمی‌آید، وی درباره قدس و مسجدالاقصی بحثی تمدنی را طرح و یادآوری کرده که قدس سرچشمه اصیلی برای همه تمدن‌های جهانی است؛ گو اینکه این منطقه خاستگاه همه تمدن‌های بشری است و همه آن‌ها از این سرچشمه و خاستگاه اصیل سیراب شده‌اند.

از دیگر سوی، صدر به واقعه مهم معراج رسول اکرم(ص) اشاره کرده و بر این نظر است که معراج پیامبر مسیر برقراری ارتباط اسلام و رسالت ایشان با تمامی تمدن‌ها و رسالت‌هاست: «هدف از این سفر معجزه‌وار، دیدن نشانه‌ها و فزونی یافتن معرفت پیامبر و غنی شدن دعوت اوست و گسترش آن تا جایی که دعوتش جهانی شود؛ چنان‌که می‌گوید: "وما أرسلناک إلا رحمة للعالمین"؛ گسترش از محل تولد وحی به محل تولد رسالت‌ها و تمدن‌ها که ربط میان اسلام و جهانی شدن است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۹۸). بنابراین قدس محل پیدایش و تولد تمدن‌ها و رسالت‌ها و سرچشمه اصیل همه تمدن‌هاست و این موضوع، هم به لحاظ ارتباطات تمدنی میان ادیان و هم به لحاظ هم‌بستگی تمدنی میان تمدن‌های جهان، اهمیت بسیاری می‌یابد. از این رو، می‌توان گفت قدس محلی برای جمع کثرت‌هاست و روحیه نژادی و نژادپرستی که صهیونیسم در پی تحکیم آن است، در آن جایی نخواهد داشت.

صدر همچنین بر این نظر است که آیات آغازین سوره اسراء یادآور قاعده مهم دیگری نیز هستند و آن اینکه هرگاه یهودیان سرکشی کنند و انحرافشان را تکرار کنند، خداوند نیز تأدیب و تعذیب آنان را تکرار می‌کند. این قاعده نشان می‌دهد که خداوند با هیچ جامعه‌ای عقد اخوت منعقد نکرده است و هرکس منحرف شود، سقوط می‌کند. بنابراین صیانت از قدس به معنای دوری از انحراف است. به نظر صدر، «ما ارتباطی میان انتقال پیامبر(ص) و رسالت با قدس می‌بینیم و نیز تعلیل تقدم قوم یهود و فروافتادندشان. گویی این آیات درسی عملی است برای این موضع الهی که مسلمانان باید آن را به کار ببرند: جهانی کردن رسالت. صیانت از قدس، رد نژادپرستی که علت انحراف یهود است، نفرت نداشتن از انسان بما هو انسان، مگر در صورت سرکشی که قانون خدایی است که قدرتش برتر از قدرت آنان است و درنهایت، مشخص

شدن مسئولیت مسلمانان در برابر این سرکشی» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۹۸).

در نگاه صدر، خداوند به منطقه قدس برکت داده است و باید حافظ و نگهدار این برکات و نعمات الهی بود. این برکات، هم شامل برکت‌های معنوی و آسمانی و هم شامل برکت‌های زمینی و مادی است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۹۸)، به‌ویژه اینکه در نگاه صدر، این سرزمین به‌نوعی حامل کثرت‌های زیادی است که در طول تاریخ در آن وجود داشته و از این‌رو پیونددهنده ادیان و رسالت‌ها و تمدن‌های مختلف و در نتیجه ارتباطات تمدنی است.

صدر در پایان گفتار دوم تفسیر خود از آیات آغازین سوره اسراء، به ردیله اخلاقی غرور و تکبر و طغیان اشاره می‌کند و صهیونیست‌ها را واجد این صفت می‌شمارد که نتیجه اعمال و طغیان آن‌ها و عقب‌نشینی و بازگشت به خودخواهی‌ها و تنگ‌نظری‌هاست. جدای از مسئله صهیونیست‌ها، موضوع تواضع می‌تواند یک اصل در رویکرد تمدنی و نحوه حکمرانی انسانی باشد که باید در یک جامعه انسانی و الهی به آن توجه کرد. طغیان و تکبر باعث می‌شود انسان از هر دو رکن عبادت، یعنی عمل نیکو و قصد قربت، دور شود. در نتیجه، طغیان و تکبر باعث نابودی عبادات می‌شود؛ زیرا دو رکن عبادت، یعنی عمل نیک و قصد قربت، با هم پیوند دارند و از هم جدا نیستند. در نگاه صدر، «تقرب به معنای تخلی است، نه به معنای تشابه و تمایل. براین اساس، مفهوم تقرب به خدا در عبادت یعنی اینکه انگیزه آن تخلی به اخلاق خداست. اخلاق خدا آن صفات معروف و متعالی‌ای است که آنچه مختص ذات الهی است، از آن استثنا می‌شود و سایر صفات از آن اقتباس می‌شود؛ صفاتی از قبیل علم، رحمت، عدل، عزت، جمال و غیره» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۰۰-۱۰۱). براین اساس، رفتار صهیونیست‌ها قابل رد و انکار است.

صدر به دردمندی انسان برای از دست دادن مسجدالاقصی نیز اشارات مهمی دارد و بر این باور است که «این مسجد نقشی اساسی در اسلام دارد، بلکه از ارکان اسلام است و هیچ انسان مسلمان و مؤمنی جایز نیست که لحظه‌ای ساکت بماند و برای بازگرداندن این مسجد مبارک و دور داشتن آن از یهودی شدن کوششی نکند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۰۳). درواقع، یهودی شدن این مسجد و این منطقه به معنای از بین رفتن کثرت‌هایی است که در طول تاریخ پیوندهای زیادی را شکل داده و تمدن‌های مختلف را نمایندگی کرده است.

چنان‌که گفته شد، این مسجد که با معراج معجزه‌وار پیامبر اکرم (ص) ارتباط می‌یابد، از آن‌رو نیز بُعدی تمدنی می‌یابد. صدر در توضیح خود در این زمینه مدام بحث تمدنی و پیوند تمدنی اسلام با دیگر ادیان را به میان می‌کشد که می‌تواند نقطه وحدت‌آفرین در کثرت‌ها باشد: «دین اسلام بر پیامبر (ص) در شبه جزیره عربستان نازل شد، اما برای اینکه این دین تنها برای اهل آن سرزمین و رسالتی برای مردم مکه و مدینه

نماند، خداوند او را شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر داد؛ زیرا همچنان که گفتیم، مسجدالاقصی و سرزمین‌های اطراف آن خاستگاه ادیان و تمدن‌های جهانی بوده‌اند. بنابراین انتقال پیامبر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی به مثابه ارتباط و هماهنگی با این حلقه تمدنی و دینی و جهانی و نیز کامل شدن آن حلقه است. پیوند اسلام با تمدن‌ها و با ادیان تأکیدی بر جهانی بودن اسلام است؛ اینکه خداوند محمد (ص) را فرستاد تا رحمتی برای جهانیان باشد» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۰۳). این بیان نشان‌دهنده آن است که فعالیت‌های صدر در لبنان ناظر به رویکرد و اهداف تمدنی است و این رویکرد برای قدس و مسجدالاقصی جایگاه و نقشی ویژه در نظر گرفته که واحد کثرت‌های بسیاری است و برای احیای این کثرت‌ها باید به دفاع از قدس و مسجدالاقصی پرداخت و زمینه‌های احیای مجدد تمدن اسلامی را به وجود آورد.

امام صدر درباره اهمیت مسجدالاقصی نکات روشنگر دیگری نیز دارد که بر رویکرد تمدنی ایشان و نجات قدس و مسجدالاقصی از چنگ صهیونیست‌ها مبتنی است. وی در بخشی از گفتارهای تفسیری خویش بر این نکته تأکید می‌کند که مسجدالاقصی نقطه‌ای است که تاریخ و جغرافیا با هم پیوند می‌خورد: «انتخاب مسجدالاقصی که نقطه پایان اسراء و نقطه آغازین معراج است، به سبب اهمیت این منطقه است؛ گویی این منطقه نقطه‌ای است که تاریخ و جغرافیا با هم پیوند می‌خورند. آنجا محل عبور ابراهیم، پدر پیامبران، پایان کوچ حضرت موسی، زادگاه مسیح، محل هبوط پیامبران و نخستین قبله امت محمد است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۰۴). از سویی وی خاستگاه علوم جدید را نیز مسجدالاقصی می‌داند که دانش از آنجا به اقصائیات عالم رفته است: «خاستگاه علوم جدید این منطقه است و از این منطقه به یونان و به منطقه سامرا که جایگاه تمدن‌های سومری و شاخه‌هایی از آن است و به اسکندریه و سرزمین فارس صادر شد. به همین علت، می‌بینیم که این منطقه سرچشمه برکات روحی و فکری جهان است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۰۴).

۳. در برابر یک چالش تمدنی

به رغم اهمیت قدس و مسجدالاقصی برای مسلمانان، تلاش غرب برای در اختیار قرار دادن این منطقه به صهیونیست‌ها درخور تأمل است. از این رو، امام موسی صدر اسرائیل را ادامه و محصول تمدن غرب می‌داند و معتقد است که آمریکا و غرب به جهت تمدنی، خودشان را موظف به حمایت از اسرائیل می‌دانند. در عین حال، وی بر این نظر است که آینده شیعه نیز در مقابل اسرائیل رقم خواهد خورد و این همان چالش تمدنی‌ای است که به برکشیدن شیعیان منجر می‌شود. شیعیان که اغلب در جنوب لبنان حضور دارند، بیشترین نزدیکی را به فلسطین دارند و از این رو همواره در معرض تعدی و تجاوز رژیم صهیونیستی اسرائیل

قرار داشته و دارند. امام موسی صدر این تقابل‌ها و تعدی‌ها و تجاوزها را تمدنی دیده است، اما نکته مهم در بحث او این است که این شیعه در آینده در مقابل چالش تمدنی اسرائیل قرار می‌گیرد. از این رو، از دید صدر، منطقه جنوب لبنان که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل است، در آینده شیعیان و لبنان تأثیر بسزا و سرنوشت‌سازی دارد. تحولات امروز منطقه نشان می‌دهد که نگاه صدر تا چه اندازه دقیق بوده و حائز اهمیت است:

«جنوب در آینده شیعه تأثیری سرنوشت‌ساز دارد. می‌توانم بگویم که سرانجام بحران فعلی جنوب به نفع شیعیان خواهد بود. اگر نقشه شیعه را نگاه کنید، می‌بینید که شیعه چونان جسمی بلند در مقابل اسرائیل است. در جنوب لبنان شیعیان حضور دارند. سپس بقاع غربی را داریم که جنوب را به بقاع وصل می‌کند. در بقاع هم شیعیان ساکن هستند. این بخش بزرگ بیشتر شیعه‌اند. اقلیت‌هایی پیرامون بیروت و در شمال لبنان هستند. آینده سیاسی لبنان هرچه باشد، این پیکر شیعی خود را در برابر چالش اسرائیلی می‌بیند؛ در برابر چالش تمدنی اسرائیل» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۵۶).

گذشته از اهمیت مواجهه شیعیان با اسرائیل، این مطلب صدر که شیعیان آینده منطقه را رقم می‌زنند، به نظرم از اهمیت زیادی برخوردار است. درواقع، این شیعیان هستند که در برابر چالش تمدنی اسرائیل مقاومت را برمی‌گزینند و منطقه را در اثر مواجهه‌ای که با اسرائیل دارند، وارد مناسبات متفاوت‌تری می‌کنند. در این مناسبات، آنچه می‌تواند اهمیت یابد، وجه تمدنی این چالش است که باید به آن توجه کرد. از نظر صدر، نباید پنداشت که ما با یک تجاوز و تعدی عادی از سوی رژیم اسرائیل مواجهیم، بلکه باید ابعاد این تعدیات در فضایی بلندتر از نگاه‌های روزمره مد نظر قرار گیرد. از این رو، صدر بر تقویت شیعیان و قدرتمندی آنان تأکید زیادی دارد. آنچه می‌تواند در مقابل این چالش تمدنی بایستد، مواجهه‌ای قدرتمندانه است:

«اگر شیعه‌ای خود را در برابر جوانی اسرائیلی یا روستایی‌ای اسرائیلی یا مسلحی اسرائیلی یا وضعیت اجتماعی - سیاسی‌ای اسرائیلی ببیند، این شیعه از طریق دولتش یا از طریق فرقه‌اش یا خودش دو راه بیشتر ندارد: یا در برابر این چالش تسلیم شود و یا با آن مبارزه کند. تسلیم شدن یعنی در برابر اسرائیل سر خم کند و آلت دست این نیروی بزرگ در منطقه شود که نتیجه آن فساد و کوتاه آمدن است. بی‌گمان بیشتر شیعیان این را نمی‌پذیرند. هیچ‌کس نمی‌تواند امتی را وادار کند که در فساد سقوط کند و از بین برود. بنابراین تنها راه پیش‌روی شیعه در ۲۵ سال آینده، مقابله با این چالش است. این مقابله پاسخی تمدنی است. باید سطح روستاهای خود را تا سطح روستاهای اسرائیل بالا ببریم، سطح جوانانمان را تا سطح جوانان اسرائیل، سطح سلاح و تفکرمان را تا سطح سلاح و تفکر اسرائیل. این کار در منتهای سختی است، اما کاری است که باید صورت بگیرد، هر اندازه هم که سخت باشد. تصور من این است که در این ربع قرن، شیعه نخبه

مسلمانان و عرب خواهد شد. شیعه در این ۲۵ سال آینده، در نتیجه وجود دشمن اسرائیلی، نقش تاریخی خود را بازی می‌گیرد؛ نقش تاریخی خود را در هدایت عرب‌ها و مسلمانان به سوی پیشرفت و تمدن بازی خواهد گرفت. من شخصاً به آینده شیعه خوش‌بین هستم و به اذن خدا برای این اساس کار خواهم کرد» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۵۶-۵۷).

چنان‌که از عبارت بالا قابل‌مشاهده است، نگاه صدر به اسرائیل و پاسخ وی به این چالش تمدنی است. البته وی در مطالب خود که در نقد تمدن غرب (ر.ک: لک‌زایی، ۱۴۰۲) مطرح کرده است، به صورت مبسوطی به این بحث می‌پردازد، اما آنچه وی در زمینه اسرائیل مطرح کرده، به نظرم در ادامه نقد تمدن غرب قابل‌اشاره است. از این‌رو، تأکید می‌کند: «اسرائیل را به‌سوی ما فرستادند تا به ما تمدن بیاموزد، تمدن جهان معاصر. ولی شما مبارزان این تمدن دروغین را نپذیرفتید و در اصلاح چهره انسان و تاریخ مشارکت کردید و به ما آموختید که حق پیروز می‌شود و باطل؛ هرچند قدرت‌های بزرگ و تبلیغات جهانی از آن حمایت کنند، هرگز جاودانه بر جای نخواهد ماند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۷).

این نگاه فراتر از مسائل فلسطین و اسرائیل، درباره لبنان نیز مورد توجه صدر است. برای مثال، در موردی دیگر، صدر بر این نظر است که مداخلات و اقدامات اسرائیل حتی در جنگ داخلی لبنان نیز بی‌تأثیر نبوده است؛ آنجا که درباب حقیقت جنگ لبنان می‌نویسد: «جنگ لبنان از حقیقتی وحشت‌آور و اثری غیرقابل‌تصور از بازی سیاست‌های جهان و از بازی‌های خطرناک اسرائیل، این جسم غریب که در قلب جهان اسلام کاشته شده است، حکایت می‌کند» (حجتی، ۱۳۹۹، ص ۵۴). درواقع، وجود اسرائیل و مداخلات این رژیم یکی از عوامل سه‌گانه ایجاد جنگ داخلی در لبنان است. در نگاه صدر، «عوامل جنگ خانگی لبنان بر سه قسم لبنانی، عربی و جهانی و به‌خصوص اسرائیلی بود» (حجتی، ۱۳۹۹، ص ۶۴). در این میان، صدر دو هدف اسرائیل از این مداخلات را نیز مطرح کرده است: «اسرائیل می‌خواست دو موضوع مقدس را در کشورهای عربی به هم بزند (قضیه فلسطین و قضیه هم‌زیستی میان مسلمانان و مسیحیان لبنان را) و توانست یکی را به جان دیگری انداخته و هردو را خرد کند» (حجتی، ۱۳۹۹، ص ۶۴). این در حالی است که یکی از اهداف مهم امام موسی صدر در لبنان این است که برخلاف اسرائیل، نشان دهد که امکان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و مسیحیان در لبنان وجود دارد. فلسطین با توجه به اینکه قدس و مسجدالاقصی در آن واقع شده است و برای مسلمانان اهمیت بسیار دارد، در معرض هتک اسرائیل قرار گرفته و بنابراین نیازمند حمایت مسلمانان است. از این‌رو، صدر بر این نظر است که آینده لبنان در موضوع مقابله با اسرائیل باید به‌گونه‌ای پیش برود که در آن از یک سوی جنوب لبنان به‌صورت قلعه‌ای محکم در برابر حملات اسرائیل دریابید و از سوی دیگر، هماهنگ و هم‌پیمان با مقاومت فلسطین باشد:

«ما می‌خواهیم جنوب را به‌صورت قلعه‌ای محکم در برابر اسرائیل درآوریم. ما لبنانی می‌خواهیم هماهنگ و هم‌پیمان با مقاومت فلسطین. ما بر این عقیده‌ایم که لبنان با وابستگی به نهضت مقاومت، می‌تواند مقام و حیثیت عظیمی در جهان پیدا کند و فلسطینی‌ها نیز می‌توانند از موقعیت لبنان بهره‌های فراوان ببرند. ما طرف‌دار ایجاد جبهه اسلامی متحد هستیم که به ما امکان دهد از موضع قدرت به‌سوی هم‌وطن‌های مسیحی خود دست همکاری دراز کنیم و هم‌زیستی میان مسلمانان و مسیحیان را که اسرائیل اصرار دارد آن را در جهان غیرممکن جلوه دهد و در نتیجه به‌وجود آمدن فلسطین را که یهودی و مسلمان و مسیحی در کنار هم زندگی نمایند، غیرعملی و غیرممکن تلقی نماید، ممکن سازیم» (حجتی، ۱۳۹۹، ص ۸).

۴. شکل‌گیری جبهه مقاومت

صدر در پاسخ به این پرسش که در برابر محنت اسرائیل چه موضعی باید گرفت، به یک مطلب بسیار مهم اشاره می‌کند و آن اینکه باید لبنان را با فلسطین همراه کرد. وی بر این نظر است که فلسطین امتداد قوی لبنان و مسلمانان است: «ما اساساً به مسئله فلسطین به مثابه مسئله‌ای برحق ایمان داریم و خاک فلسطین برای ما اهمیت فراوانی دارد و فلسطین را امتداد قوی خود می‌دانیم. افزون بر آن، اسرائیل نخستین دشمن ماست و خطری فرهنگی، تمدنی، اقتصادی و سیاسی برای ما به شمار می‌رود» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۲۶۶). اینکه فلسطین امتداد لبنان است، به معنای آن است که لبنان در کنار فلسطین است و مسئله فلسطین از لبنان و دیگر کشورهای منطقه جدا نبوده و نیست. ازاین‌رو، صدر بر خطرناک بودن اسرائیل تأکید و تصریح می‌کند:

«اسرائیل به‌شکلی ظالمانه و برخلاف همه قواعد شناخته‌شده، در قلب این منطقه کاشته شد که پیامدهای خطرناک بزرگی با ابعاد تمدنی و بشری و فرهنگی و امنیتی و اقتصادی به دنبال داشت. این ماجرا فاجعه‌ای بی‌سابقه در تاریخ منطقه و بلکه در تاریخ جهان به حساب می‌آید. این پیامدها و پیچیدگی‌ها و تأثیراتی که دربرداشت، سرنوشت ملت‌ها را ناپایدار کرد و موجب بی‌اعتمادی به تعهدات بین‌المللی شد و اثرگذاری افکار عمومی جهان را خنثی و معادلات سیاسی و ارزش‌های مورداحترام ملت‌ها و دولت‌های منطقه را دگرگون کرد. یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای این فاجعه، مسئله آواره شدن ملت فلسطین و سپس نادیده گرفتن حقوق این ملت در حق برخورداری از وطن و زندگی آبرومندانه بود که نزدیک ربع قرن ادامه یافت و در نتیجه ملت فلسطین ناگزیر شد که خود مسئولیت بازگشت به میهن و بازگرداندن میهن را بر عهده گیرد، بدون آنکه این مسئله را امانتی بر گردن کسی یا عامل به‌حرکت درآوردن نهادها و مجامع بین‌المللی و وجدان‌های بیدار در جهان به شمار آورد. این‌گونه بود که مقاومت فلسطین شکل گرفت» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۳۳).

وی در پاسخ یکی از جوانان که پرسیده بود «چطور ممکن است ما با دستان خالی پایداری کنیم، درحالی که حتی نمی‌دانیم چگونه از خاک و شرافتمان دفاع کنیم؟»، می‌گوید: «پایداری تا پای جان شرافتمندانه‌ترین مقاومت در برابر تجاوز است و مهاجرت کردن کرامت ما را حفظ نخواهد کرد و خاک اشغال‌شده ما را باز نخواهد گرداند، به‌ویژه آنکه در مسیر مهاجرت نیز بسیاری قربانی می‌شوند که زیان آن بسی بیشتر از زیان پایداری شرافتمندانه است. مهاجرت شما به معنای آن است که خاک خود را به دشمن خود تسلیم کنید تا گروهی از مهاجران جدید در آن شهرک‌سازی کنند، اما پایداری به معنای مخالفت با اشغالگری و بسترسازی برای شکل‌گیری مقاومت برضد اشغالگران است؛ درست همان‌گونه که برادران استوار ما در کرانه باختری اشغالی شروع به سازمان‌دهی صفوف خود برای مقاومت کرده‌اند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۲۳). صدر بر این نظر است که گویا دو راه بیشتر در پیش‌روی نیست: یا تسلیم یا مبارزه. در اینجا مهاجرت را نیز به معنای تسلیم به شمار آورده است، اگرچه در جای دیگری تأکید می‌کند که هیچ بدیلی برای مقاومت وجود ندارد و فلسطینیان چاره‌ای به‌جز مقاومت و مبارزه ندارند: «من بر این باورم که برای آزادسازی فلسطین هیچ بدیلی برای مقاومت فلسطین وجود ندارد. همه امید من این است که بتوانیم وظیفه دینی و ملی و قومی و انسانی خود را به‌درستی و با دقت انجام دهیم» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۲۳).

صدر در پاسخ به این پرسش که «اسرائیل چه مشکلی دارد و چرا محکوم است؟»، می‌گوید: «به بهانه دین یهود، دولتی نژادپرست برای اسرائیلی‌ها تشکیل دادند. آنچه امروز مردود است، دولت دینی نیست. از جوانان خواهش می‌کنم که به این مسئله توجه داشته باشند. اسلام، هم دین است و هم دولت. ما با دولت اسلامی مخالف نیستیم. اسرائیل دولت دینی نیست، دولتی نژادپرست است؛ یعنی دولتی برای یک ملت خاص است: اسرائیلی‌ها. هر دولت نژادپرستی در دنیا محکوم است؛ زیرا معنای آن نازیسم جدید است. فرق گذاشتن میان ملت‌ها و نژادها مردود است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۱۸۲). از دید صدر، «بنیاد تجاوزگرانه اسرائیل از سال ۱۹۴۸ گذاشته شد» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۱۷۹). این وضعیت تاکنون تداوم یافته است. ازسویی صدر تأکید می‌کند که اسرائیل به چیزی پایبند نیست و لذا باید ارتشی نیرومند در برابر آن شکل گیرد (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۱۷۹).

مطلب بسیار مهمی که صدر علاوه بر مقاومت بر آن تأکید کرده، اهمیت تغییر جهت افکار عمومی است که اگر این وضعیت به وجود آید، به معنای پایان اسرائیل است. وی در این زمینه به ذکر مطلبی خاطره‌گونه از ایام اقامتش در آلمان اشاره می‌کند که چگونه صهیونیست‌ها بر رسانه‌ها سیطره دارند و ازاین رو نتیجه مهمی که از این وضعیت می‌گیرد، این است که باید در عرصه رسانه و افکار عمومی فعالیت داشت و براساس آن، اسرائیل را به پایان خود نزدیک کرد. وی در این زمینه از یک تجربه خود یاد کرده است:

«در طول اقامتم در جمهوری فدرال آلمان، مشاهده کردم که رسانه‌ها چقدر تحت سیطره صهیونیسم جهانی‌اند و ملت آلمان تا چه اندازه از مشکلات ما بی‌خبر است. بی‌شک، تعجب خواهید کرد اگر بدانید که کنفرانس مطبوعاتی من در دفتر اتحادیه عرب در بن که نمایندگان رسانه‌های خبری و تلویزیون در آن حضور یافته بودند، هیچ نتیجه‌ای دربرداشت. رسانه‌ها هیچ اشاره‌ای، حتی به کلمه‌ای از آنچه من در کنفرانس گفته بودم، نکردند و همگی تماماً سکوت کردند. از این گذشته، حتی کوشیدند که مرا از بازدید دفتر مجله اشپیگل منع کنند، ولی من توانستم همهٔ خبرنگارهایشان را باطل کنم. من با رهبران مذهبی کاتولیک و پروتستان دیدار کردم. در این دیدارها دریافتم که آنان قلبی گشوده و اندیشه‌هایی روشن دارند. آنان به من وعده دادند که به نمایندگان خود در لبنان سفارش خواهند کرد که این خلأ تعمدی را از روی روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها بردارند. اذعان می‌کنم که افکار عمومی جهان در سطحی وسیع با تبلیغات صهیونیستی مسموم شده و تغییر جهت دادن این افکار عمومی به معنای پایان اسرائیل است. ما باید با این وضع مقابله کنیم و حملات خود را سازمان دهیم. بدون شک، ابتکار کنفرانس مسیحیان برای فلسطین که در ماه مه گذشته در بیروت برگزار شد، بازتابی مثبت داشته است، اما ما وظیفه داریم که بدون توقف برای اثبات حقیقت تلاش کنیم. از امور دیگری که ما می‌توانیم از آن بهره‌گیریم، جنب‌وجوش جدیدی است که در میان تودهٔ جوان و به نفع اعراب و فلسطینی‌ها در حال شکل‌گیری است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۴۳۶).

براین اساس، رسانه و ساخت افکار عمومی اهمیت بسیاری می‌یابد. چه‌بسا باتوجه به ناآگاهی عمومی از وضعیت فلسطین و فلسطینی‌هاست که تغییری در آن ایجاد نمی‌شود. درواقع، هر مبارزه و مقابله‌ای در نقطه خفه می‌شود، بدون آنکه افکار عمومی جهان از آن اطلاع یابد. این مطلب باتوجه به آنچه امروزه در جهان می‌گذرد، تا اندازه زیادی نشان می‌دهد که بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و کشتار اهالی غزه به دست ارتش رژیم صهیونیستی، افکار عمومی در حال بیدار شدن است. براین اساس، هرگاه افکار عمومی بیدار شود، می‌توان گفت که «دورهٔ اسرائیل نیز به پایان می‌رسد، همان‌گونه که دورهٔ بنی‌امیه به پایان رسید. [...] این نبرد نبردی مستقیم و رودرروست. این نبرد باسواد و بی‌سواد، پیر و جوان، زن و مرد و عالم و غیرعالم نمی‌شناسد؛ نبرد امت است، نبرد دفاع از سرزمین و کرامت و دین است و همه باید در آن حضور داشته باشیم» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۱۶۵).

۵. مقاومت لبنان و تأسیس سازمان امل

صدر درعین حال که با سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه مقاومت فلسطینی در مقابل رژیم اسرائیل و شخص یاسر عرفات همکاری نزدیکی دارد و پشتیبان اصلی فلسطینی‌ها در لبنان است، باتوجه به تهدیدها و تجاوزهای مداوم اسرائیل به جنوب لبنان و بی‌توجهی دولت و ارتش به حفظ

امنیت و ثبات و آرامش جنوب لبنان، دست به تأسیس سازمان امل (أفواج مقاومة لبنانية) می‌زند. این سازمان که امروزه بیشتر به‌عنوان یک حزب سیاسی در لبنان فعالیت دارد، از زمان تأسیس، وظایف مختلفی بر عهده داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مقابله با تجاوزها و تهدیدهای اسرائیل است. درواقع، شکل‌گیری مقاومت لبنان که با تأسیس سازمان امل سمت‌وسوی هدفمندتری می‌یابد، به‌سبب ستمی است که رژیم اسرائیل بر جمع کثیری از اهالی لبنان وارد می‌کند. صدر این ستم را فقط منحصر به شهروندان لبنان نمی‌داند و بر این نظر است که ستم وجود اسرائیل بیش از ستم بر شهروندان لبنانی است و ستم بر کل منطقه است:

«من مسئولیت را در پیوند با امور اجتماعی و بهداشتی و فرهنگی مردم و جدا از نقش دینی خود نمی‌بینم. دریافتیم که ایمانم و نقش دینی‌ام مقتضی کاهش رنج مردم است. شاید نیاز به گفتن نباشد که شیعیان و نیز بسیاری از غیرشیعیان در لبنان از دسته‌بندی فرقه‌ای و از ستم فتوالیسم و از فساد سیاسی و از ستم اسرائیل و از انواع مصیبت‌ها در رنج‌اند؛ از بسیار بسیار مشکلات رنج می‌برند، خصوصاً نسل جوان. در لبنان به‌رغم شکوفایی و پیشرفت نسبی در وضعیت زندگی، بیشتر شهروندان گرفتار ظلمی ویرانگر هستند. وجود این ستم اقتضا می‌کند که انسان با آن مبارزه کند. از اینجا بود که مقابله با انواع ستم را آغاز کردیم و شاید این همان نقش سیاسی‌ای است که به عهده گرفته‌ایم. من تلاش می‌کنم که این نقش را سیاسی نخوانم و در چهارچوب نقش دینی بمانم. اگر نقش سیاسی خوانده می‌شود، همان مبارزه با ستم است. وجود اسرائیل ستم است: ستم بر منطقه، ستم بر مردم فلسطین، ستم بر همسایگان. پس باید با آن بجنگیم. اما چگونه؟ به نظر من، این امر سیاسی است و فرض بر این است که آن را به متخصصان، به حاکمان، به ارتش، به سیاستمداران، واگذار کنیم تا راه مبارزه با اسرائیل را مشخص کنند. عقب‌ماندگی در لبنان و در مناطق مرزی و در حاشیه بیروت که "کمربند فقر" می‌خوانیمش، ستم است. باید با این مبارزه کنیم. این مبارزه از ژرفای نقش دینی است. اما چگونه؟ باید متخصصان را مأمور کنیم که اقدام کنند و حدود مرز این کار را مشخص کنند. من همچنان معتقدم که اهتمام من به مسائل زندگی مردم و اهتمام من به مبارزه با ظلم و مقابله با عقب‌ماندگی و محرومیت، نقش دینی من است که در لبنان آن را بر عهده گرفته‌ام» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۳۰-۳۱).

آنچه صدر درباره مبارزه با فساد و ستم بیان می‌کند، همان نقش و مسئولیت سیاسی خویش در جامعه است که به‌عنوان یک رهبر و عالم دینی، در جامعه‌ای مانند لبنان بر عهده گرفته است. در این میان، تصریح بر اینکه «عقب‌ماندگی ستم است و وجود اسرائیل ستم است و فقر و محرومیت ستم است» را به عنوان نقش سیاسی خود بیان کرده است (ر.ک: لک‌زایی، ۱۳۹۸). آنچه در بیان صدر نهفته، نقش ستمگری اسرائیل است که دارای ابعاد وسیعی است و صرفاً ملت فلسطین را دربر نمی‌گیرد، بلکه منطقه و

مردم فلسطین و همسایگان لبنان را دربرمی‌گیرد و وی مبارزه با آن را از وظایف خود و امری سیاسی می‌شمارد. این ستم همچنان بر ملت فلسطین جاری است. صدر افزون بر آنچه گذشت، بحث مهم دیگری را نیز مطرح می‌کند که به نوعی تفصیل آن چیزی است که پیش از این نیز بیان شد. وی بر این نظر است که همه ما در برابر حوادث چهار راه پیش‌رو داریم:

- اول، تسلیم شدن؛
 - دوم، مهاجرت کردن و از واقعیت گریختن؛
 - سوم، تغییر اوضاع با تکیه بر ایدئولوژی دیگران؛
 - چهارم، اینکه «با ایدئولوژی اصلی برخاسته از خاک خود، آسمان خود، کشور خود، منطقه خود، میراث خود و برخاسته از ژرفای ایمان خود، جامعه را دگرگون کنیم» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۲۲۳).
- به نظر، بند چهارم خلاصه دیدگاه صدر در باب چالش تمدنی با اسرائیل است که در آن با واژه‌های مختلف تأکید و تصریح می‌کند که اولاً جامعه باید تغییر یابد و ثانیاً این تغییر جامعه باید مبتنی بر ایدئولوژی اصیل و بر مبنای اندیشه خودی استوار باشد. بنابراین تغییر جامعه بر مبنای ایدئولوژی دیگری، گرچه ممکن است اتفاق بیفتد، فاقد اصالت است و به معنای پیروی از فضای فرهنگی و فکری موجود است و از نظر صدر ارزشی ندارد. این مطلب با آنچه وی در نقد تمدن غرب (ر.ک: لکزایی، ۱۴۰۲) مطرح می‌کند نیز سازگاری تام و تمامی دارد و به نظر می‌رسد صدر بر مبنای چنین نگاهی، در لبنان به فعالیت و اقدام دست زده است. در نگاه صدر، این مسیر یگانه مسیر حرکت در جامعه است. وی با تأکید می‌گوید که روش‌های دیگر را نمی‌پذیرد، اگرچه در این مسیر تنها بماند: «ما می‌خواهیم شیعیان لبنان مرد باشند، تسلیم نشوند، ضعف نشان ندهند، احساس نکنند اگر به یک قدرت سیاسی در منطقه یا جهان وابسته نباشند، حق زندگی ندارند. می‌خواهیم قیمومیت آقای شمعون یا هرکس دیگری غیر او را نپذیرند؛ آنانی که می‌خواهند بر ما تحمیل کنند که دینمان را از چه کسی بگیریم. طبیعتاً ما این روش را نمی‌پذیریم. من شخصاً نمی‌پذیرم، حتی اگر در این راه تنها بمانم» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۲۲۴).

نتیجه‌گیری

مجموع مباحث امام موسی صدر درباره اسرائیل نشان‌دهنده آن است که ایشان با یهود به مثابه یک دین الهی و یهودیان به عنوان پیروان این دین، مشکلی ندارد. آنچه صدر به لحاظ نظری در رد و انکار رژیم صهیونیستی اسرائیل مطرح می‌کند، وجود و حضور فلسفه یهودیت است که با برتری طلبی و برتری جویی قومی، مذهبی و نژادی و با حمایت قدرت‌های بزرگ و از طریق ظلم و آواره ساختن ملت فلسطین، در منطقه حکومتی نژادی ایجاد کرده است و همچنان در راستای منافع تمدن غرب به ظلم و ستم بر مردم

منطقه ادامه می‌دهد. از این رو، در نظر ایشان، این وضعیت خطرانی تمدنی، انسانی، فرهنگی و اقتصادی برای منطقه دارد. وی مفهوم «شر مطلق» بودن اسرائیل را مطرح می‌کند. در نظر صدر، با رژیم‌ی که با زور و ظلم تأسیس شده است، حقوق انسانی فلسطینیان را رعایت نمی‌کند، انسان‌ها را آواره کرده و به هیچ عهد و پیمانی وفادار نبوده است، نمی‌توان گفت‌وگو کرد. در نتیجه، راهی به جز مقاومت و مقابله و مبارزه با آن وجود ندارد و مقاومت از همین جا شکل می‌گیرد.

گذشته از این، صدر موضوع مقاومت را نه تنها به عنوان حقی در مقابل اسرائیل، بلکه به صورت یک ضرورت تمدنی توجیه کرده است. در نظر وی، رژیم صهیونیستی نتیجه و محصول تمدن غربی است که در منطقه ایجاد شده است تا به تمدن غرب خدمت کند و حافظ منافع آن باشد. از این رو، بر نقش سرچشمه و خاستگاه بودن آمریکا در حمایت از اسرائیل تأکید می‌کند. از سوی دیگر، از آنجاکه تمدن غربی را تمدنی غیردینی، مادی و غیراخلاقی می‌داند، بر مقابله با اسرائیل به عنوان محصول و نماد این تمدن تأکید می‌ورزد. این تأکید از آن رو اهمیت می‌یابد که اسرائیل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان و تمدن‌های مختلف در فلسطین را بر نمی‌تابد؛ این در حالی است که صدر در لبنان در پی تحقق هم‌پستگی اجتماعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب مختلف بود و عقیده داشت که اسرائیل دشمن اصلی چنین جامعه‌ای است. به باور وی، فلسطین، به‌ویژه به دلیل وجود مسجدالاقصی که به تعبیر او محل تلاقی همه تمدن‌ها و ادیان و پیونددهنده آن‌هاست، بیش از هر جای دیگر سزاوار برقراری هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در فضایی عاری از حاکمیت یک رژیم نژادپرست است.

باتوجه به نتایج این پژوهش که بر رویارویی تمدنی امام موسی صدر با رژیم صهیونیستی متمرکز بود، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به بررسی تطبیقی این دیدگاه با آرای دیگر اندیشمندان جهان اسلام در مواجهه با اسرائیل بپردازند. همچنین تحلیل نقش مؤلفه‌های فرهنگی - تمدنی در تقویت گفتمان مقاومت معاصر و بررسی راهکارهای عملیاتی کردن مبانی نظری مبارزه تمدنی در جهان اسلام می‌تواند زمینه‌های پژوهشی نوینی را فراهم آورد. واکاوی تأثیر اندیشه‌های صدر بر جنبش‌های مقاومت فعلی و نیز مطالعه امکان‌سنجی ایجاد ائتلاف‌های تمدنی براساس این نظریه، از دیگر مسائل پیش‌روی پژوهشگران این عرصه است.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده تضاد منافی را اعلام نکرده است.

منابع

- قرآن کریم
- حجتی کرمانی (۱۳۹۹). *لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید چمران*. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سید موسی (۱۴۰۴). *اسرائیل، آن شر مطلق*. ترجمه گروه مترجمان مؤسسه امام موسی صدر. به اهتمام حورا صدر. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۹). *آنچه خود گفت* (روایت امام موسی صدر از زندگی و اندیشه‌های خود). ترجمه مهدی فرخیان. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۶). *گام به گام با امام*. ج ۱۰. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۶). *گام به گام با امام*. ج ۱۲. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۶). *گام به گام با امام*. ج ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۶). *گام به گام با امام*. ج ۵. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۸). *برای انسان*. ترجمه احمد ناظم، مهدی فرخیان، مهدی سرحدی و موسی اسوار. تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- لک‌زایی، شریف (۱۴۰۲). *چستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر*. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین/اسلامی، ۶(۲)، ۱۲-۱۰.
<https://doi.org/10.22070/nic.2024.18525.1274>
- لک‌زایی، شریف (۱۳۹۹). *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر*. ج ۲. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لک‌زایی، شریف (۱۳۹۸). *علل ضعف تمدنی و عقب ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر*. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین/اسلامی، ۲(۱)، ۳۱۱-۳۲۸.
<https://doi.org/10.22070/nic.2019.910>

References

- Holy Quran
- Hojjati, K. (2020). *Lebanon as Narrated by Imam Musa Sadr and Martyr Chamran*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Lakzaei, Sh. (2019). Causes of Civilizational Weakness and Backwardness in Islamic Societies in the Thought of Imam Musa Sadr. *Journal of Fundamental Studies in Modern Islamic Civilization*, 2(1, Issue 3), 311–328. <https://doi.org/10.22070/nic.2019.910> [In Persian]
- Lakzaei, Sh. (2020). *An Introduction to the Political Thought of Imam Musa Sadr*. Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute, 2nd Edition [In Persian].
- Lakzaei, Sh. (2023). The Nature of Western Civilization in the Thought of Imam Musa Sadr. *Journal of Fundamental Studies in Modern Islamic Civilization*, 6(2, Issue 12), 1–24. <https://doi.org/10.22070/nic.2024.18525.1274> [In Persian]
- Sadr, S.M. (2017). *Step by Step with the Imam*. Vol. 10. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Sadr, S.M. (2017). *Step by Step with the Imam*. Vol. 12. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Sadr, S.M. (2017). *Step by Step with the Imam*. Vol. 2. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Sadr, S.M. (2017). *Step by Step with the Imam*. Vol. 5. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Sadr, S.M. (2019). *For Humanity*. Translated by Ahmad Nazem, Mehdi Farkhian, Mehdi Sarhadi, and Mousa Esvar. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Sadr, S.M. (2020). *What He Himself Said: Imam Musa Sadr's Account of His Life and Thought*. Translated by Mehdi Farkhian. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].
- Sadr, S.M. (2025). *Israel, That Absolute Evil*. Translated by the Translation Group of the Imam Musa Sadr Institute. Edited by Houra Sadr. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute [In Persian].